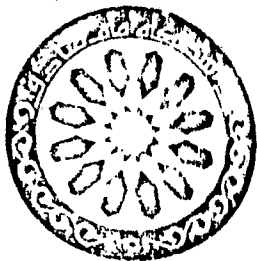


کتابخانه کون دانشگاه امام صادق

تاریخ ثبت ۹۹
شماره ۴



۱۳۷۸ / ۵ / ۲

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشگاه معارف اسلامی و حقوق

گرایش / شاخه خصوصی

مرکز تخصصی حقوق اسلامی ایران
تیمت مرکز

بیع کالی به کالی در فقه اسلامی و حقوق ایران

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما : جناب آقای دکتر سید حسین صفایی

استاد مشاور : جناب آقای دکتر حمید بهرامی احمدی

نگارش از : محمد علی سعیدی

شماره دانشجویی : ۶۹۳۰۴۷۵۴۵

تاریخ : ۱۳۷۷/۱۰/۲۶

2515/2

دانشکده معارف اسلامی و حقوق مسؤول عقایدی که

نویسنده در این پایان نامه اظهار نموده است، نمی باشد.

هر نوع استفاده از این اثر منوط به اجازه کتبی از دانشگاه می باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۷	بخش اول: کلیات راجع به بیع کالی به کالی
۸	فصل اول: مفهوم بیع کالی به کالی
۸	گفتار اول: مفهوم لغوی
۱۰	گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی
۱۱	فصل دوم: مشکلات ناشی از ابطال بیع کالی به کالی
۱۲	گفتار اول: خدشه بر منافع خصوصی و عمومی
۱۴	گفتار دوم: از دست رفتن فواید بیع کالی به کالی
۱۷	گفتار سوم: تقلب نسبت به قانون
۱۸	فصل سوم: مقایسه بیع کالی به کالی و بیع دین به دین
۲۲	فصل چهارم: ماهیت اسناد تجاری از حیث تحقق بیع کالی به کالی
۲۴	فصل پنجم: بررسی باره‌ای از موارد مشتبه
۲۵	گفتار اول: عقد حواله
۲۶	گفتار دوم: صلح دین به دین
۲۸	گفتار سوم: انتقال دین به دین
۲۹	گفتار چهارم: صرف ما فی الذمه
۳۱	بخش دوم: حکم فقهی بیع کالی به کالی
۳۲	فصل اول: مبانی فقهی بیع کالی به کالی در فقه امامیه
۳۲	گفتار اول: نکات راجع به بیع سلف
۳۳	مبحث اول: ماهیت بیع سلف
۳۵	مبحث دوم: ضرورت قبض ثمن در مجلس
۳۷	بند اول: دلایل ضرورت قبض ثمن

- بند دوم: ماهیت قبض ۴۵
- بند سوم: ماهیت افتراق ۴۸
- مبحث سوم: قبض مقداری از ثمن ۴۹
- مبحث چهارم: اختلاف در قبض ۵۲
- مبحث پنجم: احتساب دین به عهده بائع به عنوان ثمن معامله سلف ۵۵
- مبحث ششم: فروش مثنی در بیع سلف ۵۷
- مبحث هفتم: حواله ثمن ۶۰
- مبحث هشتم: عیب رأس المال ۶۴
- گفتار دوم: فروش دین ۶۸
- مبحث اول: فروش دین به دین ۶۹
- بند اول: فعلیت یا حدوث دین به هنگام عقد ۶۹
- بند دوم: اطلاق دین بر مؤجل و حال ۷۱
- بند سوم: اشکال مختلف فروش دین به دین ۷۷
- مبحث دوم: احکام فروش دین ۸۸
- بند اول: فروش دین به بدهکار و شخص ثالث ۸۸
- بند دوم: میزان مراجعه مشتری به مدیون اصلی ۹۳
- فصل دوم: بررسی مبانی بیع کالی به کالی در فقه عامه** ۹۹
- گفتار اول: نکات راجع به بیع سلف ۹۹
- مبحث اول: موافقت یا مخالفت سلم با قیاس ۱۰۰
- مبحث دوم: قبض رأس المال سلم ۱۰۱
- گفتار دوم: اشکال بیع کالی به کالی در فقه عامه ۱۰۴
- گفتار سوم: دلایل بطلان بیع کالی به کالی در فقه عامه ۱۰۸
- مبحث اول: دلیل روایی ۱۰۸

- ۱۰۹ مبحث دوم: اجماع
- ۱۱۰ مبحث سوم: دلیل قرآنی
- ۱۱۲ مبحث چهارم: پاره‌ای دلایل استحسانی
- ۱۱۳ بند اول: بریعی کالی به کالی فایده‌ای مترتب نیست
- ۱۱۴ بند دوم: بیع کالی به کالی باعث ایجاد خصومت خواهد شد
- ۱۱۴ بند سوم: غرری بودن بیع کالی به کالی
- ۱۱۵ بند چهارم: تحقق ربا
- ۱۱۸ **بخش سوم: بررسی بیع کالی به کالی در حقوق موضوعه**
- ۱۱۹ **فصل اول: بررسی بیع کالی به کالی در حقوق داخلی**
- ۱۲۰ گفتار اول: دلایل صحت و بطلان بیع کالی به کالی
- ۱۲۰ مبحث اول: دلائل قائلین به صحت
- ۱۲۳ مبحث دوم: دلایل قائلین به بطلان
- ۱۲۷ مبحث سوم: نظر مختار
- ۱۲۸ گفتار دوم: بررسی یک رأی اصراری هیأت عمومی
- ۱۳۲ گفتار سوم: بررسی موادی از قانون عملیات بانکی بدون ربا و دستورالعمل اجرایی آن
- ۱۳۴ **فصل دوم: بررسی حقوق بعضی از کشورهای عربی**
- ۱۳۴ گفتار اول: حقوق مصر
- ۱۳۵ گفتار دوم: حقوق لبنان
- ۱۳۶ گفتار سوم: حقوق امارات متحده عربی
- ۱۳۷ **نتیجه:**
- ۱۳۷ الف: خلاصه آنچه گفته شد
- ۱۴۰ ب: راه حل پیشنهادی

این رساله به سه بخش تقسیم می‌شود. در بخش اول کلیات موضوع بیع کالی به کالی مطرح شده است و از آنجائیکه مفهوم دقیق بیع کالی به کالی تنها با شناخت عناوین مشابه آن روشن می‌گردد، از موضوعات مشابهی که گاه با مبحث بیع کالی به کالی خلط می‌شوند نیز سخن به میان آمده است. از جمله این موارد می‌توان به بیع دین به دین و تطارح دو دین اشاره نمود. در این بررسی مشخص می‌گردد که بیع کالی به کالی و بیع دین به دین دو عنوان مشابه نیستند و میان آن دو تفاوت است بدین ترتیب که بیع دین به دین از نظر مصداق اعم از بیع کالی به کالی است. بدیهی است با تطبیق این موارد مفهوم دقیق چنین بیعی آشکار می‌گردد.

بیع از لحاظ مدت دار بودن عوضین به چهار حالت تقسیم می‌گردد. اول بیع نقد که عوضین هر دو حال و نقدند. دوم بیع نسبه که مثنی در مجلس اخذ می‌شود ولی ثمن مدت دار است. سوم بیع سلم یا سلف است که ثمن در مجلس و مثنی مدت دار است.

و اما نوع چهارم بیع کالی به کالی است که عوضین هر دو مؤجل می‌باشند و به عبارت دیگر ثمن و مثنی هر دو مدت دارند و در زمانی آینده پرداخت می‌گردند. شرط دیگر تحقق این بیع آن است که ثمن و مثنی کلی فی الذمه باشند بنابراین در چنین بیعی ثمن و مثنی عین مشخص خارجی نیستند. در این میان مباحثی از اسناد تجاری تا آنجا که مربوط به بحث مورد نظر ما باشد نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

در قسمت دوم و سوم رساله حکم فقهی و قانونی بیع کالی به کالی بررسی گردیده و در این دو قسمت آنچه ضرورت داشت به دقت مورد توجه قرار گرفته و این نتیجه کلی بدست آمده است که هیچگونه دلیل قطعی مبنی بر بطلان این نوع بیع وجود ندارد و در عین حال مصالح فردی و اجتماعی نیز مستلزم آن است.

شایان ذکر است که عدم قبول این نوع بیع که در میان مردم بسیار متداول است، مشکلات زیادی بوجود خواهد آورد و موجب حرج و سختی خواهد شد.

هذه الرسالة تنقسم الى ثلاثة اجزاء الجزء الاول يبحث عن كليات عامة حول موضوع بيع الكالى بالكالى. وبناء على ان اسيتعاب المعنى الدقيق لا تتوفر الا اذا عرفنا العناوين المشابهة للموضوع بحثنا عن عناوين قد تلتبس و تزعم أنها بيع الكالى بالكالى و الامر غير ذلك؛ منها تطرح الدينين فى الصرف و بيع الدين بالدين بشتى صورته و اقسامه و خلال ذلك نعرف ان بيع الكالى بالكالى يختلف عن بيع الدين بالدين على ان بيع الدين بالدين اعم مصداقاً من ذلك و على ضوء ذلك كله يتحدد لنا معناه الواقعى.

البيع من حيث تأخير العوضين ينقسم الى اربعة اقسام بيع النقد و هو الذى يكون العوضان فيه معجلين و بيع النسيئة هو الذى يتأخر تسليم الثمن عن مجلس العقد الى وقت معلوم و بيع السلم او السلف هو الذى يقبض ثمنه فى المجلس و يتأخر تسليم المثلث.

اما القسم الرابع هو بيع الكالى بالكالى و هو الذى يتأخر تسليم الثمن و المثلث كلاهما عن المجلس و لا يزال العوضان فى هذا القسم من البيع كلياً فلا يكون الثمن و المثلث فيه عيناً مشخصاً خارجياً هناك بحث اخر حول الاوراق و المستندات التجارية التى تتعلق ببيع الكالى بالكالى لكثرة استخدامه فى التجارة.

و بعد ذلك فى الجزء الثانى و الثالث حللنا حكم الشريعة الاسلامية و القانون حول البيع الكالى بالكالى و يحتوى هذان الجزء ان ما يفتقر من مباحث ضرورية استدلالية مستوعبة و يستنتج من كلها عدم وجود مستند تشريعى جازم للبطلان مع ان المصالح الفردية و مصالح المجتمع توجب ذلك ايضاً.

و الجدير بالذكر ان عدم قبول هذا النوع من العقود الذى يستخدم بين الناس بكثرة يسبب عدداً من

المشاكل فى العمل و يوقع الناس فى الحرج و العنت.

Dans Cet essaie , divisé en trois tomes, La Vente Kali - bel- Kalie est étudié. Le premier tome s'agit de la definir dans une nature juridique bien claire , Pour que la recherche d'une definition ne pouvait que s'appuyer sur des termes identiques , certains sujets semblables , comme marché de devise en quelque fois et compensation des dettes dans ses multiples aspects sont distingués

La vente kali - bel - kalie est une convention par laquelle chacune des parties precise un délai prochain pour realiser son obligation .

Cela s'oppose alore à la vente à credit , à la vente au comptan , à la vente sur pied . D'apres nous , la vente Kali - bel - kalie est une vente en bloe , et n'est pas une Vente de corps certain . La nature des effets de commerce à ce propus est l'une des autres choses qui sont decrites dans Cet essaie. Prouver la Validité juridique de cette sort de vente fait l'objet du deuxiême et troisiême tome . Ony donne des raisonnement juridique par analigoe afin de decouvrirre centte validité. On admettra enfin qu'il n'existe aucune preuve acceptable dans la feghh islamic pour annuler la Vente kali - bel - kalie . En outre , soutenir les intérêts des particuliers aussi bien que celle de société l'exliqe et l'annulatiun de cette vente si fréquent produira des difficultés sur le plan pratique

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

در یک تقسیم بندی کلی، بیع از لحاظ نقد بودن عوضین به چهار صورت تقسیم می‌گردد چراکه یا برای پرداخت هیچکدام زمان و مدتی قرار داده نشده و یا اینکه برای یکی از آن دو اجلی قرار داده شده است. بنابراین حصر عقلی، می‌توان چهار حالت تصور نمود. در حالت اول برای هیچ یک از ثمن و مثنی زمانی قرار داده نشده از این رو مقتضای چنین بیعی تعجیل عوضین است. این گونه بیع به نحو اطلاق انشا شده و به مجرد انشا، هر یک از طرفین مستحق چیزی می‌گردد که به موجب بیع به او منتقل گردیده چراکه عقد خود سبب مملکت است و جواز مطالبه و وجوب دفع و امثال آن، از آثار بیع است، این نوع بیع؛ بیع نقد نامیده می‌شود. در این گونه بیع نیازی به شرط تعجیل نیست و هرگاه تعجیل عوضین شرط گردد، چنین شرطی تأکیدی بیش نخواهد بود.

البته به اعتقاد بعضی از نویسندگان این شرط فایده تأسیسی نیز دارد چراکه در صورت تخلف از شرط، مشروط له از اختیار تخلف از شرط نیز برخوردار می‌گردد^(۱).

در حالت دوم تأخیر ثمن در آن شرط شده که به آن بیع نسبه می‌گویند.

در حالت سوم، مثنی به صورت مضمون فی الذمه برعهده بایع قرار گرفته و برای پرداخت آن زمانی مشخص گردیده اما ثمن شی موجود خارجی و یادر حکم آن است مثل کلی فی الذمه‌ای که در مجلس

۱- زمین العابدین ذوالمجدین، فقه و تجارت، ۱۳۲۶ هـ.ش، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۹۴

اما در حالت چهارم هیچکدام از عوضین نقد نیستند، بلکه هر دو مؤجل و کلی اند. چنین بیعی، بیع کالی به کالی یا نسبه به نسبه یا مؤجل به مؤجل نامیده می شود. موضوع مطالعه ما نیز در این رساله تحقیقی بررسی جوانب مختلف همین قسم است، و از آنجاییکه در کنار عنوان «کالی به کالی» عنوان «دین به دین» نیز قرار داده شده خواهیم کوشید با ارائه ملاک هایی روشن به مقایسه این دو عنوان پردازیم تا وجوه اشتراک و افتراق این دو دقیقاً مشخص گردد.

نویسندگان، بطلان بیع کالی به کالی را به فقه امامیه نسبت می دهند؛ حال آنکه اساساً دلیلی قطعی، مبنی بر بطلان بیع کالی به کالی در فقه امامیه وجود ندارد، آنچه در منابع امامیه باطل اعلام گردیده بیع دین به دین است آن هم دارای اشکال مختلف و متنوعی است و به دید تحقیق نمی توان تمام آن اشکال را باطل دانست. در این مورد به تفصیل سخن خواهیم گفت به هر حال عنوان «بیع کالی به کالی» در منابع امامیه از اصالت برخوردار نیست و به حدس ما تداخل حوزه درسی عامه و امامیه، این عنوان را وارد تألیفات متأخرین کرده است.

به عبارت دیگر عنوان بیع کالی به کالی ابتدا در فقه عامه به کار رفته و فقهای عامه براساس مستندات روایی خود آن را باطل دانسته اند در مقابل آنچه در منابع امامیه وجود داشته، صرفاً بیع دین به دین بوده است. در اثر گذشت زمان و در نتیجه تحت تأثیر از فقه عامه، عنوان کالی به کالی نیز وارد متون فقهی متأخرین شد. این است که در منابع روایی امامیه و تألیفات فقهی، استدلالی فقهای متقدم اصطلاح بیع کالی به کالی به چشم نمی خورد در عوض می توان به ندرت مباحثی از بطلان بیع دین به دین یافت. و آنچه مسلم است تفاوت این دو معناست که در مباحث بعدی به شرح و تفصیل آن می پردازیم.

فرضیه اساسی و اصلی مادر این رساله مدلل نمودن این مطالب است که اولاً دو اصطلاح دین به دین و کالی به کالی از رابطه تساوی منطقی برخوردار نیستند و نمی توان آن دو را به یک معنادانست و متعاقباً این مطالب اساسی و مهم مطرح می گردد که دلیلی قطعی مبنی بر بطلان بیع کالی به کالی در فقه امامیه در دست نیست. و صرفاً می توان بیع دین به دین را آن هم در پاره ای از اشکال آن باطل دانست. روش ما در بررسی مطالب، جست و جوی اقوال مختلف و جرح و تعدیل آنها و انتخاب نظر برتر و

یا احیاناً نظر پیشنهادی است. بنابراین صرفاً به ذکر اقوال مختلف امامیه و عامه اکتفا نمی‌شود. بلکه در کنار آن بادیدی انتقادی و تحلیلی، ایرادات و مناقشات قابل طرح نیز ارائه می‌گردد

این موضوع هم از حیث نظری و ذهنی و هم از لحاظ عملی کاربردی، حائز فایده و اهمیت است اهمیت آن از حیث نظری بدین دلیل است که این موضوع کمتر مورد توجه حقوقدانان و حتی فقها قرار گرفته و گروه اول با ذکر مطالبی همانند، به اجمال از آن گذشته‌اند و گروه دوم نیز خود را مقید به آن ندانسته که در ضمن مقالی مجزا به این مسأله بپردازند بلکه مباحث مورد نظر به صورت کاملاً پراکنده و بعضاً مجمل یا متعارض و مبهم در کتاب‌های فقهی یافت می‌شود. بدیهی است هرگاه مطالب و اقوال مختلف در ضمن یک مقاله جمع‌آوری گردد، محقق با احاطه بیشتری می‌تواند به شرح و تعدیل و انتخاب آراء صحیح و ارائه پیشنهادات دقیق‌تری نایل گردد.

فایده عملی و کاربردی این رساله نیز درخور توجه است چراکه اکثر معاملات روزمره تجار و قریب به اتفاق معاملات خارجی به صورت نسبه به نسبه انجام می‌شود. امروزه معاملات آتی و مؤجل در بازرگانی امری فراگیر شده بطوریکه نمی‌توان بنگاهی یافت که سفارش کالایی را بدهد و بلافاصله آن را تحویل دهد و مشتری نیز ثمن معامله را نقد بپردازد. بدیهی است ابطال چنین معاملاتی آنچنان تکلفی می‌آفریند که زندگی اقتصادی و بازرگانی را به کلی تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

نویسندگان فقه، مباحث مربوطه را معمولاً در دو قسمت قبض ثمن در بیع سلف و فروش دین مورد بررسی قرار داده‌اند. بر این اساس مانیز سعی خواهیم کرد در ضمن بررسی دقیق این دو قسمت با جرح و تعدیل اقوال، عقاید برتر را انتخاب نماییم. برای برآوردن این هدف رساله تحقیقی را به سه بخش اساسی تقسیم کرده‌ایم؛ در بخش اول کلیات راجع به بیع کالی به کالی و در بخش دوم احکام فقهی، و در بخش سوم بررسی حقوقی مطلب آمده است. در بخش اول حسب تقسیم‌بندی منطقی معمول، ابتدا به بیان مفهوم لغوی و اصطلاحی آن پرداخته‌ایم و متعاقباً پاره‌ای مشکلات ناشی از ابطال چنین معاملاتی که به شدت رایج است بررسی گردیده است. همانطور که اشاره گردید، عنوان «بیع دین به دین» نیز پیوسته در کنار عنوان «کالی به کالی» در منابع مختلف فقهی، حقوقی بکار رفته ولی کمتر نسبت دقیق میان آن دو مشخص گردیده، به جهت اهمیت مطلب در دانستن احکام راجع به بیع کالی به

کالی و دین به دین آن را نیز در کلیات مزبور طرح کرده‌ایم.

مطلب ضروری دیگر، بررسی ماهیت اسناد تجاری است چراکه در تجارت امروزی رد و بدل اسناد تجاری جایگزین وجه نقد گردیده است و در این مقام می‌خواهیم به بدانیم آیا صدور و تسلیم سند تجاری به معنای پرداخت ثمن است یا آنکه تسلیم اسناد مختلف تجاری به معنای اعم کلمه، غالباً برای فراهم آوردن تمهیدات مقدماتی ایفاء تعهد است. چراکه هرگاه پرداخت سندی همچون چک به معنای پرداخت ثمن باشد دیگر معامله به صورت مؤجل به مؤجل منعقد نگردیده و در نتیجه دلیلی برابطال آن نیست اما هرگاه این اسناد صرفاً به عنوان وسایل تسهیل ایفاء تعهد تلقی گردند، نه به عنوان وسیله پرداخت نقدی، صدور و تسلیم این گونه اسناد، معامله را در شمار معاملات مؤجل به مؤجل قرار خواهد داد.

بررسی پاره‌ای موارد مشتبه که به اعتقاد صحیح نه کالی به کالی و نه دین به دین است، آخرین مطلب بخش اول رساله است.

بخش دوم و سوم رساله که قسمت اصلی آن محسوب می‌گردد، مشتمل بر احکام و آثار مختلف بیع کالی به کالی در معنای اعم کلمه است. ابتدا در بخش دوم مبانی فقهی معامله مزبور مورد بحث قرار گرفته و سپس در بخش سوم به بررسی این معامله در حقوق موضوعه پرداخته‌ایم. دلیل این انتخاب نیز اولاً آن است که مبانی حقوق ایران در این زمینه مبتنی بر فقه اسلام است و ثانیاً قانون مدنی ایران این موضوع را عالمآبه سکوت برگزار کرده و نویسندگان حقوقی نیز به تفصیل بحثی از صحت یا بطلان بیع کالی به کالی ارائه نداده‌اند این است که مباحث فقهی بادقت و ظرافت بیشتری بررسی شده و در نتیجه بخش دوم رساله از حجم بیشتری برخوردار گردیده است. فقها، مباحث مورد نظر را در ضمن بحث از بیع سلم یا سلف مطرح کرده‌اند. بدین ترتیب که با استناد به اجماع قبض ثمن در بیع سلف را از شرایط آن تلقی کرده و افتراق از مجلس را بدون قبض موجب بطلان بیع سلف می‌دانند. به اعتقاد بسیاری از نویسندگان جدایی از مجلس سلم بدون پرداخت ثمن معامله موجب تحقق بیع کالی به کالی است و آن نیز در شریعت اسلام باطل و بلا اثر است. هر چند بیع کالی به کالی اعم از این مورد است، ولی به هر حال آنچه‌ان که خواهیم دید، جز این مورد دلیلی بر بطلان آن وجود ندارد. حتی در این مورد نیز دلیل

عمده اجماع است، این دلیل هم به جهات متعددی مخدوش است چراکه اجماع به عنوان یک دلیل مستقل مورد پذیرش امامیه نیست و دیگر آنکه در این مورد اساساً اجماعی وجود ندارد. بنابراین چون افتراق از مجلس سلف بدون قبض و اقباض موجب تحقق بیع کالی به کالی می‌گردد، بررسی احکام و آثار مختلف راجع به قبض ثمن در مجلس سلف از ضروریات این رساله تلقی و مطالعه گردیده است. بحث از فروش دین نیز از مباحث ضروری این رساله است چراکه آنچه در فقه امامیه باطل اعلام گردیده فروش دین به دین است، با توجه به این مطلب در مبحث دوم از گفتار دوم بخش دوم فروش دین به دین و اشکال مختلف آن با ارائه ملاک‌هایی جهت تشخیص موارد بطلان به دقت بررسی گردیده است.

نکته بسیار مهم آن است که نمی‌توان تمام اشکال فروش دین به دین را باطل دانست بلکه مقتضای رعایت قواعد حقوقی و ضروریات اجتماعی اکتفا به میزان میتقن و قطعی است. در هر حال هرگاه اشکالی از فروش دین به دین پذیرفته گردد، دارای آثار و احکام خاصی خواهد بود که آن آثار را پیشاپیش در ضمن مبحث اول گفتار مربوطه بررسی کرده‌ایم.

هر چند گفتار دوم این فصل به بررسی مبانی بیع کالی به کالی در فقه عامه اختصاص یافته اما در ضمن مباحث فقه امامیه نیز آنجا که نیاز به تطبیق با فقه عامه احساس گردد، از آن غفلت نشده است. اما علت اینکه یک گفتار به تفصیل به بررسی فقه عامه تخصیص یافته آن است که عنوان بیع کالی به کالی بیشتر با مبانی و منابع فقهی عامه هماهنگی دارد. بطوریکه می‌توان گفت عنوان «بیع کالی به کالی» از واردات فقه عامه در فقه امامیه است. از این رو دلیلی مستقل و قابل توجه مبنی بر بطلان بیع کالی به کالی در منابع امامیه یافت نمی‌شود و در مقابل دلایل بطلان این معامله در فقه عامه آشکارتر و مفصل‌تر می‌نماید.

پس از بحث و بررسی مبانی فقهی بیع کالی به کالی در فقه اسلام، در بخش سوم به بررسی حقوقی موضوع می‌پردازیم تا با استفاده از مبانی فقهی موضوع، حکم قضیه در نظام حقوقی ایران مشخص گردد. در فصل دوم این فصل نیز اندکی از حقوق خارجی سخن گفته‌ایم. چرا که ایراد به معاملاتی همچون معاملات کالی به کالی از خصایص حقوق مذهبی و اسلامی است و سایر نظام‌های حقوقی چنین معاملاتی را می‌پذیرند. دلیل این اختلاف را باید در مبانی فلسفه فقه اسلامی جست. رشته‌ای نوین‌یاد و

ضروری که با ترسیمی از دیدگاههای فلسفی فقه و حقوق بسیاری از ابهامات رامی زداید. (به عبارت دیگر فلسفه فقه با ارائه دیدگاههایی کلی مشخص می‌سازد که چرا حقوق اسلامی در مقابل سایر نظامهای حقوقی بیشتر آدمی را در مسیر زندگانی مادی و دنیوی خود مقید و مکلف می‌کند، حال آنکه آزادی و انتخاب عملکرد انسان در نظامهای حقوقی غیردینی بیشتر است. این است که در حقوق دینی، معاملات بیشتر مقید می‌شوند حال آنکه در حقوق غیردینی، معاملات و روابط افراد وابسته به تلقی گذرا و نوشونده عرف هر زمانی است. در هر حال صحت و سقم این عقیده و اینکه آیا اساساً چنین برداشتی صحیح است یا خیر در فلسفه فقه و حقوق مطرح می‌گردد.)